

## Introduction and Assessment of the Islamic Movements "Tarikat Manzil" and "Hüda-Par" in the Provinces of "Van, Iğdır, Hakkâri, Ağrı" in Turkey

Mohammad Dinmohammadi<sup>1</sup> , Hamid Parsania<sup>2</sup>, Mahdi Farmanian<sup>3</sup> 

1. Ph.D., Contemporary Muslim Social Thought, Al-Mustafa International University, Tehran, Iran  
(Corresponding author). mdm1360@gmail.com
2. Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.  
h.parsania@ut.ac.ir
3. Associate Professor, University of Islamic Religions and Religions, Qom, Iran.  
m.famanian@chmail.ir

### Abstract

Islamic societies are significantly influenced by their active religious movements, and understanding these movements can play a crucial role in determining how to interact with such societies. Turkey, one of Iran's most strategically important neighbors, is home to over 50 active Islamic movements, making it one of the most influential Muslim countries in global affairs. The two Islamic movements, "Manzil" and "Hüda-Par," are among the well-known Islamic currents in Turkey. Given the unfamiliarity of these movements in Iran, the present research aims to introduce them more comprehensively to the Iranian academic community and assess their presence in regions bordering Iran. This study, with a "descriptive-comparative" approach and using the "thematic analysis" method, analyzes data collected through "library research" and "semi-structured interviews" with over 30 experts and cultural-religious activists in Turkey. In addition to introducing and briefly comparing these two movements, the study examines their presence in the four Turkish provinces bordering Iran: Van, Iğdır, Ağrı, and Hakkâri. According to the research findings, the Manzil movement has a stronger presence in the Van and Ağrı provinces compared to Iğdır and Hakkâri, while the Hüda-Par group has a significant presence in all border regions. However, as one moves toward northern Turkey, where the "Kurdish identity" diminishes, their activities also decrease. The term "Manzil" is shared between a sub-branch of the "Hüda-Par" group and the "Manzil" movement, although these two Islamic movements differ significantly in terms of geographical origin, leadership, and political and religious priorities. The Manzil movement has a more religious, organizational, and economic structure than the Hüda-Par group. Hüda-Par initially split into two groups: "Manzil" and "Ilim." Currently, one of the sub-branches of the Ilim group claims the title of "Hüda-Par" and is politically closer to Iran. Common features of the "Tarikat Manzil" and "Hüda-Par" movements include their focus on religious concerns, attention to the principle of Kurdish identity, and their widespread presence in all border provinces in the form of religious centers, dormitories, and libraries.

**Keywords:** Tarikat Manzil, Tarikat Hüda-Par, Manzil Group, Islamic Movements, Turkey, Iran.

Received: 2023/10/19 ; Received in revised form: 2023/11/23 ; Accepted: 2024/01/08 ; Published online: 2024/03/29

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



## معرفی و وضعیت‌سنجی جریان‌های اسلامی «طریقت منزل» و «هدا پار» در استان‌های «وان، ایغدیر، حکاری، آغری» ترکیه<sup>۱</sup>

محمد دین‌محمدی<sup>۱</sup> ID، حمید پارسانیا<sup>۲</sup> ID، مهدی فرمانیان<sup>۳</sup> ID

۱. دکتری، اندیشه اجتماعی معاصر مسلمین، جامعه‌المصطفی العالمیه، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mdm1360@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. h.parsania@ut.ac.ir

۳. دانشیار، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران. m.famanian@chmail.ir

### چکیده

جوامع اسلامی شدیداً متأثر از جریان‌های دینی فعال خود بوده و شناخت این جریان‌ها می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در نحوه تعامل با آن جوامع داشته باشد. کشور ترکیه یکی از مهم‌ترین همسایگان استراتژیکی ایران است که با فعالیت بیش از ۵۰ جریان اسلامی در خود، یکی از اثرگذارترین کشورهای مسلمان در معادلات جهانی به‌شمار می‌رود. دو جریان اسلامی «منزل» و «هدا پار» از جمله جریان‌های مشهور اسلامی ترکیه است که با توجه به ناشناخته بودن این جریان‌ها در ایران، پژوهش حاضر درصدد معرفی بیشتر آن‌ها به جامعه علمی ایران و وضعیت‌شناسی حضور آن‌ها در مناطق مرزی با ایران است. این تحقیق با رویکرد «توصیفی-تطبیقی» و با روش «تحلیل مضمون» اقدام به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به روش «کتابخانه‌ای» و «مصاحبه نیمه‌ساختار یافته» با بیش از ۳۰ متخصص و یا فعال در فضای فرهنگی-دینی ترکیه نموده است و علاوه بر معرفی این دو جریان و مقایسه اجمالی آن‌ها، وضعیت حضور این دو جریان در چهار استان مرزی ترکیه با ایران یعنی وان، ایغدیر، آغری و حکاری را مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های پژوهش، طریقت منزل حضور پررنگ‌تری در استان وان و آغری نسبت به استان‌های ایغدیر و حکاری دارد و گروه هدی پار در تمامی مناطق مرزی حضور پررنگی داشته، ولی با حرکت به سمت شمال ترکیه و کم‌رنگ شدن سویه «کردینگگی»، از فعالیت آن‌ها کاسته می‌شود. عنوان «منزل» عنوان مشترکی مابین یکی از زیرشاخه‌های گروه «هدا پار» و «طریقت منزل» است، در حالی که این دو جریان اسلامی از حیث منشأ مکانی، رهبران و اولویت‌های سیاسی و دینی کاملاً با هم تفاوت دارند. طریقت منزل دارای ساختاری دینی‌تر، سازمانی‌تر و اقتصادی‌تر از گروه هداپار است. هداپار در اولین انشقاق به دو گروه «منزل»، «عیلیم» تقسیم شد، که هم اکنون یکی از زیرشاخه‌های گروه «عیلیم» داعیه‌دار عنوان «هداپار» بوده و به لحاظ مناسبات سیاسی به ایران نزدیک است. توجه به دغدغه‌های دینی، توجه به اصل کردینگگی، گستردگی در تمامی مناطق استان‌های مرزی در قالب درنک، خوابگاه و کتابخانه از جمله وجوه مشترک دو جریان «طریقت منزل» و «هداپار» است.

**کلیدواژه‌ها:** طریقت منزل، طریقت هدا پار، منزل جی لر، جریان‌های اسلامی، ترکیه، ایران.

۱. **این مقاله برگرفته از:** رساله دکتری محمد دین محمدی با عنوان «بررسی جریان‌های اسلامی فعال در مناطق مرزی ایران و ترکیه» است.

**استناد به این مقاله:** دین محمدی، محمد؛ پارسانیا، حمید؛ فرمانیان، مهدی (۱۴۰۳). معرفی و وضعیت‌سنجی جریان‌های اسلامی «طریقت منزل» و «هدا پار» در استان‌های «وان، ایغدیر، حکاری، آغری» ترکیه. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۸(۱)، ص ۱۸۹-۲۰۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



۱. مقدمه

در جوامع اسلامی جریان‌های دینی غالباً تعیین‌کننده‌ترین نقش را در تحولات اجتماعی این جوامع ایفا می‌کنند. کشور ترکیه، یکی از چهار کشور قدرتمند و تأثیرگذار مسلمان جهان، در کنار کشورهای ایران، عربستان و مصر به‌شمار می‌رود که بیش از ۵۰ جریان دینی در قالب عنوان «طریقت» و «جماعت» در آن مشغول به فعالیت هستند. همسایگی زمینی ایران و ترکیه یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد در میان کشورهای مدعی رهبری جهان اسلام است که حساسیت و نحوه تعاملات آن‌ها را پیچیده‌تر و متفاوت‌تر می‌کند. این حساسیت و پیچیدگی در مناطق مرزی به خاطر محسوس‌تر بودن تعاملات و تبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فعال بودن فاکتورهای قومیتی و زبانی دوصد چندان می‌شود. دو جریان «هدا پار» و «منزل» از جمله جریان‌های اسلامی فعال در ترکیه هستند که پژوهش حاضر علاوه بر معرفی، درصد بررسی وضعیت و مقایسه حضور آن‌ها در مناطق مرزی است. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تطبیقی و با روش تحلیل مضمون و براساس داده‌های گردآوری شده به روش ترکیبی کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته با بیش از ۳۰ متخصص و یا فعال در فضای فرهنگی-دینی ترکیه، علاوه بر معرفی این دو جریان و مقایسه اجمالی آن‌ها، کم و کیف حضور این دو جریان در چهار استان مرزی ترکیه با ایران یعنی وان، ایغدیر، آگری (آگری) و حکاری را مورد بررسی قرار داده است.



۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و جایگاه دو کشور ایران و ترکیه در معادلات جهانی و دنیای اسلام بر کسی مخفی نیست. کشور ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور شیعی منطقه و جهان، و کشور ترکیه به‌عنوان میراث‌دار امپراتوری عثمانی در کنار کشورهای سنی مذهبی چون عربستان و مصر، همیشه در یک رقابت جدی و دیرینه برای دست



گرفتن سگان رهبری جامعه اسلامی بوده‌اند. با توجه به حضور پررنگ دین و مذهب در این دو کشور، تمامی ابعاد ارتباط و تعامل (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ...) مابین این دو کشور همیشه با مسئله دین درگیر بوده است. یکی از کنشگران مهم و بازیگران اصلی در تعیین کم و کیف فضای تعاملات فرهنگی - اجتماعی، جریان‌های اسلامی فعال در این دو کشور می‌باشد. از این‌رو، شناخت این جریان‌های اسلامی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ علاوه بر این، با توجه به تنش‌های اخیر به وجود آمده مابین «ایران» و «ترکیه» و برخی کشورهای اسلامی دیگر چون «عربستان» و «آذربایجان» که ترکیه نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات آن ایفا می‌کند، موجب ضروری شدن شناسایی جریان‌های فعال دینی در ترکیه می‌شود، ولی با توجه به کثرت این جریان‌ها، لازم است بررسی‌هایی به صورت تک‌به‌تک و حتی محدود و مقید انجام شود. وضوح و درجه اهمیت این سنخ از جریان‌شناسی چنان است که نظام‌های سلطه نیز متوجه آن بوده و تمرکز ویژه و سرمایه‌گذاری خاصی برای کشف و تحلیل و مدیریت جریان‌های اسلامی این منطقه اختصاص داده‌اند. برای نمونه بر طبق اطلاعات افشاء شده در تاریخ 29 Now 2010 در سایت WikiLeaks دولت آمریکا سرمایه‌گذاری خاصی در این بخش داشته است. بر طبق این اسناد، تلگرافی در تاریخ ۲۹/۱۱/۲۰۰۹ با امضای وزیر خارجه وقت آمریکا هیلاری کلینتون، از واشینگتن به کنسولگری آمریکا در آنکارا ارسال شده که عنوان آن «درخواست گزارش در مورد طریقت‌ها، کردها، اسلام و اقلیت‌های دینی موجود در ترکیه» بوده است (خلج منفرد و دلبری پور، ۱۳۸۹، ص ۵۱). علاوه بر این، با توجه به پیشینه‌ای که بیان خواهد شد و نبود محتوای کافی و کامل پژوهشی در مورد این دو جریان و بررسی نحوه حضور آن‌ها در مناطق مرزی ترکیه با ایران، ضرورت و اهمیت این تحقیق را دو صد چندان می‌کند.

### ۳. پیشینه تحقیق

براساس مطالعات و مصاحبه‌های صورت گرفته، پژوهشی به زبان فارسی در مورد معرفی جریان «هدا پار» یافت نشد. در مورد معرفی «طریقت منزل» نیز تحقیقات بسیار محدودی چون دو کتاب «مذهب‌ها و طریقت‌ها در ترکیه» (گولپینارلی، ۱۴۰۰) و «طریقت‌ها و جماعت‌های مهم در ترکیه» (کج‌داغ، ۱۴۰۰) یافت شد که هر دو عنوان رابطه عموم و خصوص من وجهی با پژوهش حاضر دارند؛ چراکه اولاً این دو کتاب نگاه مکانی و استانی برای معرفی جریان طریقت‌ها و جماعت‌ها ندارند، و ثانیاً، تنها از «طریقت منزل» در کتاب‌های خود یاد کرده و از جریان اسلامی «هدا پار» هیچ بحثی به میان نیاورده‌اند. خلج منفرد و دلبری پور (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «جریان‌شناسی تحولات، روندها و موقعیت جریان فکری - فرهنگی ترکیه» که به شناسایی فضای فکری و فرهنگی ترکیه از دوران عثمانی تا عصر حاضر پرداخته‌اند، عنایتی به این دو جریان ندارند.

اطهری و پیروزر (۱۳۹۴)، نیز در پژوهشی با عنوان «وضعیت مطالعات ترکیه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران»، با رویکردی توصیفی-سیاسی ۲۱۱ مطالعه صورت گرفته درباره کشور ترکیه را در چهار دانشگاه شهید بهشتی، علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و امام صادق<sup>ع</sup>، در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۴ براساس توجه به متغیرهای سیزده‌گانه مورد بررسی قرار دادند. یکی از این متغیرها «اسلام‌گرایی در ترکیه» و «طریقت‌ها» ... است که گزارشی از دو جریان «منزل» و «هداپار» در این تحقیق یافت نشد.

#### ۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تطبیقی درصدد معرفی دو جریان اسلامی «منزل» و «هدا پار» در مناطق مرزی ترکیه با ایران است. برای گردآوری داده‌ها به‌صورت هم‌زمان و ترکیبی از روش مصاحبه اکتشافی از متخصصان هر منطقه به همراه مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق استمرار مصاحبه‌ها و انتخاب متخصصان به روش گلوله برفی (بهمنی) بوده است. بعد از جمع‌آوری اولیه اطلاعات، داده‌ها با روش «تحلیل مضمون»، کدگذاری و مقوله‌بندی شده است. روش «تحلیل مضمون» به تکنیکی اطلاق می‌شود که اطلاعات براساس موضوع، در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی می‌شوند تا بتوان نظر پاسخ‌دهندگان را خلاصه و تحلیل کرد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۴). «مضمون یا تم» به ویژگی تکراری و متمایزی در متن گفته می‌شود که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده و به توصیف سازماندهی شده از مشاهدات و تفسیر جنبه‌های مختلف پدیده‌ها می‌پردازد (همان).

سؤال اصلی مصاحبه‌ها در مرحله اول سؤال باز «چه جریان‌هایی در مناطق مرزی ترکیه با ایران فعال هستند؟» بود. استفاده از روش تحلیل مضمون در یک روند تکاملی و رفت و برگشتی باعث شد مصاحبه‌های بعدی قالب نیمه ساختاریافته منسجم‌تری به خود گرفته و سؤالات مصاحبه در قالب یک جدول متشکل از «جریان‌های معرفی شده» در قسمت ستونی جدول و توجه به مؤلفه‌های «مبناشناسی»، «جمعیت‌شناسی یا مخاطب‌شناسی»، «شخصیت‌شناسی»، «مکان‌شناسی» و «شیوه‌های اثرگذاری» در قسمت سطری جدول، در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت. جریان‌های «منزل» و «هدا پار» از جمله جریان‌های کشف شده در این مرحله بودند. بعد از هر مصاحبه اطلاعات جمع‌آوری شده با مطالعه کتابخانه‌ای اشباع و تقویت شد. این روند باعث ارتقاء و تقویت سطح و کیفیت مصاحبه‌های بعدی و تحلیل‌ها به‌مرور زمان گردید. در هر مرحله نیز برای ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده و اعتبارسنجی آن، از روش «دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان» استفاده شد (همان، ص ۶۵)؛ یعنی در مصاحبه بعدی، اطلاعات ثبت شده براساس مصاحبه‌های قبلی به مصاحبه‌شونده نیز عرضه می‌شد که در صورت تأیید، موجب تقویت صحت داده‌های قبلی و در صورت رد باعث کم اعتبار شدن و در صورت عدم حمایت مصاحبه‌های بعدی - موجب بی‌اعتباری و خروج آن از جریان



تحقیق می‌شد. این مرحله تا زمان اشباع و تکراری شدن محتوای داده‌ها و ایجاد دور در میان متخصصان معرفی شده براساس روش گلوله برفی ادامه داشت.

مرحله تحلیل داده‌ها نیز به صورت دستی و تحلیل توصیفی بدون استفاده از رایانه با بیان «موضوع» و تبدیل کدها به تم‌های اصلی با نام هر جریان و تم‌های فرعی «میناشناسی»، «جمعیت‌شناسی یا مخاطب‌شناسی»، «شخصیت‌شناسی»، «مکان‌شناسی» و «شیوه‌های اثرگذاری» به همراه بیان چند مصداق برای هر تم فرعی به صورت نقل قول مستقیم بیان شده در متن، انجام گرفت. از جمله چالش‌ها و موانع این تحقیق، همزمانی این پژوهش با پاندمی کرونا بود که پروژه‌های مصاحبه‌محور را شدیداً با چالش مواجه کرد. علی‌رغم انجام مصاحبه‌های حضوری با برخی متخصصان در ایران و انجام مصاحبه‌های مجازی - از طریق نرم‌افزار واتساپ - با سایر متخصصان حاضر در ترکیه، همچنان احساس عدم اشباع داده‌ها، دامن‌گیر این پروژه پژوهشی و مانعی برای تکمیل آن بود. امکان مسافرت به ترکیه در اول اردیبهشت ۱۴۰۲ و انجام مصاحبه‌های میدانی فراهم شد و در یک سفر ۱۰ روزه با انجام حدوداً ۲۰ مصاحبه از افراد مختلف با همان روش گلوله برفی، داده‌های تحقیق به حد اشباع رسید و با توجه به تکراری شدن داده‌ها و ایجاد دور در افراد معرفی شده، به فرایند مصاحبه‌ها پایان داده شد. البته برخی از مصاحبه‌ها به دلیل عدم دسترسی به فرد مورد نظر، به بعد از مسافرت ترکیه موکول و با تماس تصویری و یا صوتی انجام گرفت. در مجموع مصاحبه‌های انجام شده بالغ بر ۴۰ مصاحبه شد که حدود ۳۰ مصاحبه دارای داده ارزشمند برای پژوهش حاضر بود. نکته دیگر حائز اهمیت در این مرحله - که چندان دور از انتظار هم نبود - عدم اجازه برخی از مصاحبه‌شوندگان به ضبط صدا و حتی ثبت نام دقیق‌شان در پژوهش، به دلیل ترس از عواقب احتمالی امنیتی و سیاسی آن بود. بر همین اساس و با توجه به اینکه «در طول پژوهش، پژوهشگر باید ابعاد اخلاقی را به منظور حمایت از مشارکت‌کنندگان در نظر داشته باشد» (همان، ص ۸۵) روش ثبت داده‌ها غالباً به صورت نت‌برداری تایی و انعکاس آن‌ها در پژوهش با نام مستعار و کد اختصاصی برای فرد مصاحبه‌شونده در نظر گرفته شد.

## ۵. مفاهیم پژوهش

### ۵-۱. جریان

«جریان» در لغت عمدتاً ناظر به شیوه‌ای خاص از بودن (هویت سیال و منتشر در زمان) یا شدن (تطور، بی‌قراری، سیالیت و جابجایی) پدیده‌ها اعم از فیزیکی و انسانی در امتداد زمان (یا علاوه بر زمان در مکان) است. «جریان» در عالم انسانی، به اعتبار متعلقات آن، عمدتاً از جنس معنا (باور، اندیشه، دانش، ارزش، ایدئولوژی، آرمان، احساس، تجربه و...) و یا هویت‌های متضمن معنا (نظیر تکنولوژی) بوده که ساحت اجتماعی پیدا کرده است (شرف‌الدین، ۱۳۹۵). برخی آن را معادل واژه‌های «Flow»، «Current» و «Movement» دانسته (همان) و برخی دیگر معادل دقیقی برای آن در زبان انگلیسی پیدا نکرده‌اند (طالقانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷-۱۵).

در تعریف اصطلاحی «جریان»، تعاریف گوناگونی یافت شد:

۱. «تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی نامیده‌اند که افزون بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز برخوردار است» (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۹).
  ۲. «جریان اجتماعی، گروه اجتماعی معینی است که با افکاری ویژه یا رفتار اجتماعی معین، از سایر گروه‌ها متمایز می‌شود که برنامه فکری مشخص و عمل اجتماعی معینی دارد و آن را به‌عنوان فکر و عمل درست معرفی و در میان افراد جامعه، ترویج می‌کند» (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۰).
  ۳. «جریان یک جمعیت مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه است که توسط یک فرد یا چند نفر (به‌صورت هماهنگ و یا ناهماهنگ) مدیریت می‌شود» (خسروپناه، بی‌تا، ص ۴).
  ۴. «برخی جریان را با توجه به تأثیر بیرونی آن چنین تعریف می‌کنند: جمعیت یا گروه اجتماعی مدیریت شده که دارای مبانی فکری و رفتاری ویژه‌ای بوده و به‌صورت تشکل، عینیت یافته و پیوسته بر جامعه و پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار است» (ناظمی اردکانی و شعبانی سارویی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).
- با توجه به تعاریف بیان شده، در مورد رابطه معنای لغوی و اصطلاحی دو نظر وجود دارد:
۱. میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی «جریان»، تمایز چندانی وجود ندارد و در جامعه‌شناسی سیاسی تعریف اصطلاحی واضحی از «جریان» وجود ندارد (شرف‌الدین، ۱۳۹۵).
  ۲. طبق این تعریف، اندیشه نظام‌مند یک شخصیت علمی هرچند به دیگران انتقال داده شده و ذیل معنای لغوی «جریان» قابل تعریف است، ولی چون به‌صورت تشکل اجتماعی ظاهر نشده است، جریان نامیده نمی‌شود (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۹).
  ۳. به نظر می‌رسد قید اجتماعی بودن، «قید توضیحی» برای جریان است، نه «قید احترازی»؛ و اجتماعی بودن یکی از مقومات معنای «جریان» است که بدون آن، اطلاق جریان بر هر تأثیر اجتماعی (ولو بزرگ و عمیق) صحیح نیست.
- با توجه به آنچه گذشت، تعریف مختار از «جریان» در پژوهش حاضر، گروه اجتماعی دارای ارتباط منسجم، هدفمند و اختیاری با دغدغه‌های مشترک است که به‌صورت «مستقیم یا غیرمستقیم» و به‌صورت «خواسته یا ناخواسته» بر ابعاد فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارد. مراد از تأثیر «مستقیم»، فعالیت‌هایی است که کاملاً متأثر از فعالیت مستقیم گروه می‌باشد، مانند برگزاری تجمعات و جلسات و غیره. مراد از تأثیر «غیرمستقیم»، حالتی است که دغدغه سرمایه انسانی جریان به‌صورت واضح و مصرح بیان نمی‌شود و ابزارهای انتقال معنا مانند انواع رسانه و یا ابزارهای ارائه خدمات اجتماعی و انسانی مانند مدرسه، بیمارستان، خوابگاه و... رسالت تأثیرگذاری بر مخاطب و جامعه ندارد. قید «ناخواسته» یکی از قیدهای مهم در این تعریف است که در سایر تعاریف کمتر شاهد آن هستیم و مراد از آن توجه به گروه‌هایی





است که نه تنها تمایلی به حرکت اجتماعی مستقیم و جذب مشتری ندارند، بلکه خود را یک حرکت مخفی قلمداد کرده و «اخفاء» و «انکار» را یکی از شرایط تعلق افراد به گروه می‌دانند و ناقضین این شرط را به‌عنوان خائن به گروه و مرام قلمداد می‌کنند. برخی از این جریان‌ها با تمام انکار و اخفایی که دارند، به‌صورت درونی چنان گسترش و تقویت یافته‌اند که به‌راحتی در فعالیت‌های سیاسی و مناسبات اقتصادی جامعه تأثیرگذار هستند. اگر برخی از گروه‌ها دارای این ویژگی باشند، منعی از «جریان» نامیدن آن‌ها وجود ندارد.

در این تعریف تفاوت جریان‌ها می‌تواند براساس تمایز و تفاوت در یکی از ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی با سایر گروه‌ها باشد (ناظمی اردکانی و شعبانی سارویی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲) و یک مابه‌الافتراق عمده برای تمایز یک جریان از جریان دیگر کافی به نظر می‌رسد. ملاک و سنجه برای عمده شمرده شدن «مابه‌الافتراق»، تأثیرگذاری آن بر معنای «ما» است که اگر خصوصیت به‌گونه‌ای باشد که افراد گروه، صاحبان یک خصوصیت و یا فاقدان یک صفت را از خود ندانسته و آن‌ها را داخل در عنوان «ما» ندانند، در جدا شدن آن دو جریان کافی به نظر می‌رسد. نکته بعدی اینکه، میزان تأثیرگذاری هر جریان در ابعاد مختلف اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد؛ ولی اگر به‌گونه‌ای باشد که آحاد مختلف جامعه و یا گروه‌های دیگر را دچار چالش ارتباط و تعارض منافع بنماید، نشانگر تأثیرگذاری جریان بر اجتماع بیرون از خود بوده و می‌تواند سنجه مناسبی برای بررسی صحت اطلاق عنوان «جریان» بر یک فعالیت جمعی قلمداد شود.

نکته آخر اینکه، ملاک و سنجه در تعیین نوع «مضاف‌الیه» یک جریان (مثلاً جریان دینی، جریان اقتصادی، جریان سیاسی)، دغدغه مشترکی است که افراد یک جریان را گرد هم آورده است. به نظر می‌رسد که «قضاوت و تحلیل ناظر بیرونی» اگر تنها شامل «وجه اثرگذاری» این جریان و غلبه نوع خاصی از تأثیرات یک جریان بر اجتماع باشد، موجب نمی‌شود آن خصوصیت به‌عنوان مضاف‌الیه جریان، در نظر گرفته شود و جریان، مقید و متصف به آن «تأثیر غالبی» شود. برای نمونه شاید یک جریان دینی به دلیل ثروتمند بودن اعضای آن دارای تأثیرات اقتصادی بزرگ در جامعه بوده و حتی برخی اتفاقات اقتصادی منحصراً در دست آن‌ها باشد، ولی این امر به معنای «اقتصادی» نامیدن آن جریان نیست. تنها قضاوتی که ناظر بیرونی در صورت عدم اطلاع از نقطه ثقل و محور اتحاد این گروه می‌تواند داشته باشد، این است که بگوید، این جریان‌ی است که دارای تأثیر اقتصادی بزرگ است. بر همین اساس تسمیه جریان، فقط با تکیه بر «مبانی»، «روش» و یا «مخاطبین جریان» و... نیز درست نیست. برخی تلویحاً به این امر چنین اشاره داشته‌اند: «هر جریان‌ی، ولو به اعتبار تقسیم‌بندی پارسونزی: اقتصاد، سیاست، جامعه و فرهنگ حتماً دارای پیش‌زمینه‌های فکری و نظری نیز است. این پیش‌زمینه‌ها معمولاً رویکردی عقلی - منطقی دارد نه فلسفی؛ چراکه برخی جریان‌ها خود را ضد فلسفه می‌دانند و به این اعتبار همه جریان‌ها را می‌توان فکری قلمداد کرد. در واقع بهتر بود هم طراز فکری، مفاهیمی دیگر به‌کار گرفته شود تا چنین شائبه‌ای ایجاد نگردد» (مهدی‌پور، ۱۳۹۳،



ص ۱۰). برای معرفی و شناخت جریان‌ها، ابعاد گوناگونی چون «خاستگاه فکری (اصول و مبانی)؛ اهداف و آرمان‌ها؛ چگونگی پیدایش و توسعه؛ بستر تاریخی و زمینه رشد و منبع قدرت گرفتن؛ امکانات و ابزارها؛ ماهیت و جمعیت؛ شخصیت‌های تأثیرگذار؛ تعامل شخصیت‌های تأثیرگذار؛ نحوه تأثیرگذاری این شخصیت‌ها؛ روش‌ها و تاکتیک‌های تأثیرگذاری و...» می‌تواند مدنظر باشد. اما به نظر می‌رسد توجه فی‌الجمله به پنج مؤلفه «مبناشناسی»، «جمعیت‌شناسی یا مخاطب‌شناسی»، «شخصیت‌شناسی»، «مکان‌شناسی» و «شیوه‌های اثرگذاری»، برای شناختن یک جریان، امری گریزناپذیر باشد.

### ۲-۵. جریان اسلامی

با توجه به آنچه در تعریف «جریان» گذشت، تعریف مختار از «جریان اسلامی» در این پژوهش حاضر گروه اجتماعی دارای ارتباط منسجم، هدفمند و اختیاری است که با دغدغه اسلام، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت خواسته یا ناخواسته بر ابعاد فکری، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارد. دال مرکزی در تعریف «جریان اسلامی»، حرکت جمعی تأثیرگذار بر اجتماع با دغدغه اسلام است. تفاوت جریان‌های اسلامی در این معنا می‌تواند براساس تمایز و تفاوت در یکی از ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی با سایر گروه‌ها باشد (ناظمی اردکانی و شعبانی سارویی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲).

### ۳-۵. طریقت

واژه طریقت در لغت به معانی راه، روش، مذهب، اصول سلوک، سلوک، حال، عادت، مسلک و مراسم آمده است. جمع این کلمه طرائق بوده و با واژه طریق که جمع آن طرق می‌باشد، هم‌معنا محسوب شده و به جای یکدیگر نیز استعمال می‌گردد (کجداغ، ۱۴۰۰، ص ۱۱). اصطلاح «طریقت» در فضای تصوف به معنای عادت، حال و رفتار کسی است که می‌خواهد به سوی خدا سیر و سلوک کند. طریقت دارای اصول و آیین‌های خاصی است و هر طریقت می‌تواند آداب و ارکان و حتی لباس خاصی داشته باشد. براساس این اندیشه، گرایشی به وجود آمده است که نسبت به دنیا در قبال آخرت برتری قائل نمی‌شود، نسبت به ماده بی تفاوت می‌شود و سعی می‌کند عدم توسل به اشیاء را ترجیح دهد (کجداغ، ۱۴۰۰، ص ۱۱). برخی از عبارات در وصف اصطلاح طریقت از قرار زیر است:

۱. طریقت، راهی روحانی بوده که انسان را به حقایق خود و عالم، و نیز به حضرت محمد ﷺ که همه این حقایق را به طور کامل در وجود خود دارد، و به خدا که منبع و خالق حقایق است، می‌برد (Ceyhan, 2015, p. 28).
۲. طریقت، عبارت از به فعلیت درآوردن و محقق ساختن قوانین و دستورات شریعت در سیر به سوی خدا است؛ یعنی شریعت، قانون طریقت بوده و طریقت، عمل به شریعت است؛ بنابراین، بین شریعت و طریقت قرابتی ناگسسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۴ - ۲۷۱).



۳. طریقت دارای دو معنا در فضای اصول و فروع دین است؛ طریقت در اصول به معنای باور دینی و در فروع به معنای عمل براساس یک اندیشه است. مذاهب کلامی برای تبیین عرصه اعتقادی دین و مذاهب فقهی برای تعیین تکلیف در عرصه رفتارهای ظاهری بوجود آمده است. طریقت‌ها نیز برای هدایت در عرصه اعمال قلبی و حالات روحی به وجود آمده‌اند. همه این عرصه‌ها مکمل یکدیگر بوده و بین آنها هیچ تناقض و اختلافی وجود ندارد و برای رساندن انسان به هدف والای خود در یک جهت و راستا حرکت کرده و برای تحقق آن هدف والا خدمت می‌کنند (kara, 2002, p. 16).

اصطلاحات مهم در طریقت عبارتند از:

۱. مراد یا پیر طریقت: که همان مرشد و راهنما است.
۲. مرید: کسی است که با بیعت با «مراد یا پیر» به او انتساب پیدا کرده است که او را طالب، درویش و... نیز می‌نامند.
۳. خانگاه: مکانی که کار تعلیم و تربیت و دیگر امور مربوطه در آن انجام می‌شود و به آن درگاه، تکه، زاویه و... نیز گفته می‌شود (گولپینارلی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۳-۱۷۴).

به لحاظ تاریخی گرایش‌های تصوفی و طریقت‌ها با استیلای مغول و ورود خاندان عثمانی به آسیای میانه، ایران و عراق در سال ۱۲۴۲ میلادی وارد آناتول شدند. در دوره حاکمیت دولت عثمانی در آناتول، طریقت‌های شایع عبارت بودند از: بکتاشیه، مولویه، بایرامیه، رفاعیه، زینیه، خلوتیه، نقشبندیه، قادریه، سعدیه و بدوی که بعدها طریقت‌های نقشبندیه<sup>۱</sup> و خلوتیه که نقش اساسی در آناتول ایفا کردند، به این جمع اضافه شدند (Ocak, 2011, p. 368). با تضعیف دولت سلجوق، خاندان عثمانی، استقلال خود را در سال ۱۲۹۹ اعلان کرده و عثمان غازی، دولت عثمانی را پی‌ریزی کرد (کج‌داغ، ۱۴۰۰، ص ۲۱). بنیان‌گذار دولت عثمانی، «عثمان غازی» و سلاطین اولیه عثمانی و ارکان دولت در این دوره براساس تعالیم تصوفی و طریقتی تربیت شده بودند (Ayverdi, 1999, p. 93) و دائماً با این افراد مشورت می‌کردند (Halaoğlu, 1991, p. 127-128). در اواخر قرن ۱۴ میلادی شاخه مجددیه-خالدیه نقشبندیه در ترکیه گسترش یافت. احمد سرهندی معروف به امام ربانی مؤسس شاخه مجددیه طریقت نقشبندیه است که این طریقت را در هندوستان پایه‌گذاری نمود؛ مخالفت او با شیعه بسیار معروف بود. خالد بغدادی با حرکت به سمت سرزمین آناتول، اندیشه‌های امام ربانی را وارد سرزمین‌های عثمانی کرد و گسترش داد (کج‌داغ، ۱۴۰۰، ص ۵۹).

دولت عثمانی در قرن ۱۹ میلادی برای کنترل و نظارت بیشتر بر روی طریقت‌ها نهادهایی را ایجاد نمودند و اوقاف طریقت‌ها را تحت نظارت «دیوان همایون» قرار دادند و رهبری بسیاری از طریقت‌ها از طرف دولت

۱. در زمان دولت عثمانی اکثر شورش‌ها توسط طریقت نقشبندیه برپا شد.

عثمانی تعیین شد (نوری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶). در سال ۱۹۰۸ میلادی مشروطیت اعلام شد و با اعلام مشروطیت همه نهادهای اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفتند که یکی از این نهادها طریقت‌ها بود. با مشروطیت، طریقت‌ها در گام اول، بعد از تکایا یک تشکیلات جداگانه‌ای به نام جمعیت صوفیه را تشکیل دادند و علاوه بر کتاب و رساله، اقدام به انتشار مجلات هفته‌ای، پانزده روزه و ماهانه کردند (کجداغ، ۱۴۰۰، ص ۲۷). بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۳ میلادی جمهوری ترکیه توسط مصطفی کمال پاشا (آتاترک) تأسیس شد و علی‌رغم همراهی‌های اولیه با طریقت‌ها در سال ۱۹۲۴ میلادی با تأسیس سازمان دیانت، مدیریت همه مساجد، تکایا، زویا و درگاه‌ها به این سازمان واگذار گردید (همان، ص ۲۸). شورش شیخ سعید پالویی (۱۹۲۵م) و شورش منمن (۱۹۳۰م) موجب شد که دولت، طریقت‌ها و حزب آن‌ها را مسئول این شورش بداند و با تصویب قانون شماره ۶۷۷، عناوینی همچون شیخ، درویش، مرید و... را ممنوع اعلام کرده و تکایا، زویا، درگاه‌ها و بارگاه‌ها را تعطیل اعلام کند<sup>۲</sup> (Kara, 2002, p. 100).

در زمان حاضر طریقت‌ها به‌صورت آزادانه مشغول به فعالیت هستند، به‌گونه‌ای که برخی شدت آزادی و فعالیت آن‌ها را چنین توصیف می‌کنند:

«در زمان حاضر، تعداد طریقت‌ها را خدا می‌داند؛ ممکن است در همان حالی که ما مشغول شمارش تعداد آن‌ها هستیم، طریقت‌های دیگری تأسیس شوند» (گولپینارلی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۴).

#### ۵-۴. جماعت

در لغت واژه جماعت از مصدر «جمع» به معنای گرد هم آمدن و جمع شدن مردم به‌کار رفته است (کجداغ، ۱۴۰۰، ص ۱۵). در فرهنگ‌نامه «سازمان زبان ترک» به معنای گروهی از مردم و گروهی از مردم که از یک دین و یا از یک نژاد هستند، به‌کار رفته است. در لغت‌نامه عثمانی ترکی نیز به معنای گروهی از مردم و یا گروهی که پشت سر امام نماز می‌خوانند، آمده؛ و در اصطلاح، «جماعت» مفهوم جامعی است که گروه‌های مختلف موجود در جامعه را شامل می‌شود (همان). تا قبل از سال ۱۹۲۵ میلادی، اصطلاح جماعت برای معرفی اقلیت‌های دینی و غیرمسلمان به‌کار می‌رفت (Peçe 2016, p. 198). در سال ۱۹۲۵ میلادی با تصویب ماده ۶۷۷ مبنی بر «صد تکایا و زویا»، فعالیت طریقت‌ها ممنوع شد و با ممنوعیت استفاده از عناوین دینی در سال

۱. توسط اعضای عثمانیان جوان از ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ تا ۱۴ فوریه ۱۸۷۸ به طول انجامید. این جوانان عثمانی از رفورم‌های تنظیمات ناراضی بودند و به‌جای آن خواستار یک قانون اساسی مشابه دولت‌های اروپایی بودند. دوران مشروطه با عزل سلطان عبدالعزیز یکم آغاز شد. عبدالحمید دوم جای وی را به‌عنوان سلطان گرفت. این دوران با تعلیق عثمانی پارلمان و قانون اساسی توسط سلطان عبدالحمید دوم به پایان رسید و با آن او دوباره سلطنت مطلقه ایجاد کرد.  
۲. در سال ۱۹۲۵ که تکایا تعطیل و طریقت‌ها ممنوع شد، فقط در استانبول ۳۲۵ تکیه موجود بود.



۱۹۳۴ میلادی، طریقت‌ها ذیل عنوان «جماعت»، «انجمن یا درنک» و یا «وقف» به فعالیت خود ادامه دادند. البته در زمان حاضر بین عنوان طریقت و جماعت، چنین تفاوت‌هایی می‌توان قائل شد:

۱. طریقت‌ها بر سلسله نسب اساتید و شیوخ خود تا پیامبر اصرار دارند و مهم‌ترین واسطه را غالباً امیرالمؤمنین می‌دانند. جماعت‌ها هیچ توجهی به سلسله نداشته و یا به صورت شخص محور و یا کتاب محور عمل می‌کنند. از این رو، برخی با پررنگ کردن سعید نوری و اساتید او، نوری‌ها را طریقت می‌دانند و برخی دیگر با عدم توجه به اشخاصی غیر از سعید نوری، نوری‌ها را جماعت می‌دانند.<sup>۱</sup>

۲. در طریقت، هدایت با اجازه، ارتباط و شاگردی «شیخ» و «مرشد» حاصل می‌شود؛ برخلاف آنچه در جماعت‌ها است که رابطه مرید و مرادی در آن‌ها بسیار کمتر بوده و بدون انتساب و اجازه هم می‌توان جزو یک جماعت محسوب شد (همان).

## ۶. یافته‌های تحقیق

در ادامه دو جریان اسلامی «منزل» و «هدا پار» در چهار استان آغری، ایغدیر، حکاری و وان معرفی می‌شود.

### ۶-۱. منزل جی لر<sup>۲</sup>

جماعت منزل که نام دیگر آن جماعت سمرقند<sup>۳</sup> است، شعبه‌ای از شاخه خالدیه طریقت نقشبندیه است، نام آن از روستای «منزل»، شهرستان کاحتیه، شهر آدیامان گرفته شده، که مؤسس جماعت، عبدالحکیم ارول معروف به عبدالحکیم الحسینی و قوس اعظم در این روستا اقامت داشت. عبدالحکیم الحسینی در شهرستان بایکان شهر سیثرت در سال ۱۹۰۲ میلادی به دنیا آمد و ادعای سیادت کرد. وی در سال ۱۹۷۲ میلادی در روستای «منزل» وفات نمود و فرزندش محمد راشد ارول (۱۹۹۳-۱۹۳۰) جانشین او شد.<sup>۴</sup> در دوره محمد راشد افندی، فعالیت جماعت گسترش یافت و از سراسر ترکیه و خارج از ترکیه، افراد زیادی برای زیارت وی به روستای منزل مسافرت می‌کردند. افزایش رفت‌وآمد به این روستا موجب نگرانی در دولت شد و بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ میلادی، وی تحت تعقیب قرار گرفت و لذا سعی کرد که از سیاست دوری گزیند و وقت خود را برای علم و تربیت طلاب اختصاص دهد. در سال ۱۹۸۳ میلادی به شهر چناکاله تبعید شد و بعد از مدتی به او اجازه برگشت به روستای منزل داده شد. وی در سال ۱۹۹۳

۱. مصاحبه شماره ۲۱.

2. Menzil Dergahi

3. Semerkand

۴. مصاحبه شماره ۲

میلادی وفات نمود و برادرش عبدالباقی ارول جانشین وی شد و فعالیت‌های جماعت را بسیار گسترش داد (کجداغ، ۱۴۰۰، ص ۱۰۵). این جماعت، مفاهیم دینی همچون منکر، مرتد و منافق را برای دیگر مسلمانان به راحتی به کار می‌گیرند. برای نمونه منکر کسی است که طریقت را نقد کند و برخی از عملکردهای آن را قبول نکنند. از منکر طریقت همچون فرار از شیر باید فرار کرد؛ اگرچه برادر خود باشد. خوردن لقمه‌ای از غذای منکر، قلب را می‌میراند و مانع ذکر می‌گردد. غیبت منکران هم جایز است. براساس اندیشه این طریقت، همه علوم و فیوضات و انوار به وسیله مرشد به مرید می‌رسد؛ مرشد دارای یک مقام فوق‌العاده و حتی دارای مقام نیمه الهی بوده و محور همه چیز است. احترام به مرشد، احترام به خدا و رسولش است؛ چراکه او امانت خدا و رسولش می‌باشد (همان).

قلب مرشد کامل، آینه تجلیات الهی است و چنان وسعت دارد که می‌تواند همزمان زمین و آسمان را تماشا کند. خداوند متعال زمین، آسمان، دریا و حیوانات را تحت امر مرشد قرار می‌دهد و او هر طور که بخواهد، در آن‌ها تصرف می‌کند. نیازی نیست که مرشد تحصیلات علوم دینی داشته باشد؛ شخص آقی که فاتحه را هم نمی‌داند با علم لدنی می‌تواند به مرتبه مرشدی برسد. مرید باید بداند که خداوند مرشد را وسیله قرار داده و قلب باید به طرف او بچرخد؛ بنابراین، وابستگی کامل به مرشد لازم است. مرید باید اعتقاد داشته باشد که هر فعل و سخن و حال و حرکت و سکونی که از مرشد صادر می‌گردد، به امر و رضای خداوند است. وقتی مرید دنبال مرشد کامل رفت و او را پیدا کرد، باید با جان و مالش در آستانه او برای رضای خداوند خدمت کند؛ حتی باید به اولاد و نوه‌های شیخ نیز خدمت کند. مرشد وفات هم کرده باشد، تصرفاتش ادامه دارد. چنانچه مشاهده می‌شود، اندیشه‌های طریقت به گونه‌ای طراحی شده که مرید حق اندیشه ندارد و اطاعت بی چون و چرا از مرشد لازم است، باین حال این طریقت، منتسبین زیادی دارد و از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین طریقت‌های ترکیه است (همان، ص ۱۰۶). طریقت منزل، فعالیت خود را ذیل گروه رسانه‌ای سمرقند انجام می‌دهد که شبکه تلویزیونی سمرقند، رادیو، انتشارات سمرقند، انتشارات خواجهگان، مجله سمرقند، مجله کودک سمرقند و مجله خوانندگان جوان از جمله مؤسسات تبلیغی این طریقت است. سمرشاه و ارشاه تور نیز مؤسسات گردشگری منسوب به این طریقت در ترکیه هستند که سفرهای حج و عمره برگزار می‌کنند. این طریقت دارای شرکت‌های زیادی بالأخص در عرصه بهداشت است (همان).

محل استقرار اصلی منزلجی‌ها هنوز در ادی یامان، قصبه کاهتا است. براساس مصاحبه‌های انجام شده، این طریقت در شهر وان<sup>۱</sup> و آغری<sup>۲</sup> حضور پررنگ‌تری نسبت به شهر ایغدیر و حکاری دارند.

۱. مصاحبه شماره ۳

۲. مصاحبه شماره ۱۳



این جماعت هرچند در شهر ایغدیر خانه‌ای برای فعالیت‌های مذهبی دارند، ولی جماعتشان بسیار کم و محدود است و شخص معرفی در استان ایغدیر برای رهبری این جریان وجود ندارد.<sup>۱</sup> در شهر وان ساختمان منسوب به این طریقت برای نماز جمعه و عبادت است. همچنین این طریقت دارای مسجد، کتابخانه، خوابگاه، و محل ذکر است که هفتاد سال قدمت دارند. در درنک کارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. وسعت منزل شامل همه قوم‌ها می‌شود.<sup>۲</sup> این طریقت که به آن‌ها صوفی هم می‌گویند،<sup>۳</sup> مجلس ذکر و مراسم خاصی درباره توبه دارند، در مسجد جمع می‌شوند و متنی دارند که به صورت دسته‌جمعی آن را می‌خوانند. بعد از توبه کتابچه‌ای به نام دستورالعمل ذکر به آنها داده می‌شود و بعد از چند ماه گزارش می‌دهند که چه کرده‌اند و هر روز این مراسم توبه برگزار می‌شود.<sup>۴</sup> فقط به فقراء خودشان کمک می‌کنند و قبرستانشان با سایر جماعت‌ها و طریقت‌ها در یکجا قرار دارد.<sup>۵</sup>

#### ۶-۲. هدا پار<sup>۶</sup>

این گروه یکی از زیرشاخه‌های «حزب‌الله» ترکیه محسوب می‌شود. عنوان «هدا پار» معادل «گروه یا حزب خدا» است و چون در زبان ترکی استانبولی عبارت «خ» استعمالی ندارد، به «هدا» تغییر نام داده و با ضمیمه شدن به «پار» که همان «گروه» است، عنوان «حزب‌الله» ترکیه را تشکیل دادند. عنوان «هدا پار» لفظ مشترکی متعلق به دوزمان است که رهبر «هدا پار مقسمی» شخصی به نام شیخ سعید پالو (پالویی) یا «پیران» است. مرکز آن‌ها دیاربکر ترکیه است، شیخ سعید این گروه را با دغدغه دینی<sup>۷</sup> و برای مقابله با pkk که یک گروه سیاسی کمونیست پرطرفدار بی‌دین و یا حتی ضد دین در مناطق کردنشین است، تشکیل داد.<sup>۸</sup> باید توجه داشت که شیخ سعید پالویی با شیخ سعید نورسی که او نیز یک فرد تأثیرگذار کرد با دغدغه‌های دینی بود، متفاوت است. او رهبر جماعت «نورسی‌ها» یا «نورجی‌ها» بود که با دغدغه مقابله با کمونیست این جماعت را پایه‌ریزی کرد. به سعید نورسی «سعید کردی» هم گفته می‌شود.<sup>۹</sup> پس از به قدرت رسیدن مصطفی کمال در ترکیه، به تدریج سیاست اسلام‌زدایی از جامعه، زندگی و فرهنگ ترکیه آغاز گردید و صورت قانونی یافت. این سیاست

۱. مصاحبه شماره ۱۲

۲. مصاحبه شماره ۷

۳. مصاحبه شماره ۲

۴. مصاحبه شماره ۱۵

۵. مصاحبه شماره ۲

6. Huda par

۷. مصاحبه شماره ۵

۸. مصاحبه شماره ۴

۹. مصاحبه شماره ۵

به جریحه‌دار شدن احساسات بسیاری از مردم، روحانیون و پیروان طریقت‌ها انجامید. از همین‌رو در اوایل سال ۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵ شیخ سعید پالو (از اهالی کردستان ترکیه) به همراه چهارصد تن از مریدانش (از درویشان نقشبندی و قادری) در روستاهای کردنشین قیام کرد و (۱۵ آوریل) دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه مستقل شرق محکوم به اعدام شدند و در ۲۹ ژوئن ۱۹۲۵ به دار آویخته شد. این جریان هیچ‌گاه خاموش نشد و انقلابی‌های این گروه بعدها در کنار «اربان» شروع به فعالیت کردند و با شروع انقلاب اسلامی، برای مطالعه مدل انقلاب به ایران آمدند و به دو جماعت تقسیم شدند.<sup>۲</sup>

حزب‌الله منزل (اسلامی هالک حرکت) به رهبری سیاسی «فدان گون کر» و رهبری دینی «ملا منصور گزول سوی» یکی از این دو گروه بود که اسم کتابخانه خود با عنوان «منزل» را برای اسم جماعتشان انتخاب کردند. این گروه به ایران نزدیک‌تر بود و بنا به بعضی نقل‌قول‌ها ملا منصور به همراه سعید فدا الله که یکی از لیدرهای حزب‌الله لبنان بود، با رهبر ایران ملاقات و بیعت کرده بود.<sup>۳</sup> حزب‌الله عیلم نیز به رهبری سیاسی «حسین ولی اوغلی» و رهبری دینی «ملا انور کلیچ آسلان و ملا میز گین»، دومین گروه بود که به اخوان المسلمین نزدیک‌تر بودند. نام آن‌ها نیز برگرفته از نام «کتابخانه‌شان» که «عیلم»<sup>۴</sup> نام داشت، بود.<sup>۵</sup>

هر دو گروه تعامل جدی با ایران و حوزه قم داشتند و یکی از افراد محوری این تعامل در ایران، شخصی روحانی به نام «سید خلیل حسینی مؤذن» - معروف به سیدا- از منطقه بوتان ترکیه بود. بخشی از تعامل جدی این دو گروه با ایران و حوزه علمیه قم مربوط به ملاقات نوه شیخ سعید پالویی (پیران) با جناب مرحوم سیدا می‌شود که در این ملاقات توافق می‌کنند در راه نشر مکتب و انقلاب، گروه‌هایی به قم اعزام شده و تحت تربیت و آموزش مرحوم سیدا قرار بگیرند. براساس این توافق نیز ایشان پسر خود «سید علی حسینی مؤذن» و دامادشان «شیخ صالح» را به دیاربکر اعزام کرده و در جلسه‌ای که در روستای زیلان با ۲۰ نفر از علمای منطقه کردنشین برگزار می‌شود، قرار بر این می‌گردد که هر فرد گروهی را برای آموزش به قم ارسال کند. براساس همین توافق «حسین ولی اوغلی» به همراه ۲۰ نفر (۳ استاد و ۱۷ طلبه) از اهل سنت کرد به قم سفر می‌کنند و همین امر باعث تأسیس «مدرسه اتحاد» با هماهنگی آقای منتظری در قم می‌شود که کم‌کم تعداد اینها با حضور فرستادگان افرادی چون «ملا سلیمان کورشین» از ماردین بیشتر هم می‌شود.

۱. استانفورد جی، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۲، ص ۶۳۲-۶۳۳.

۲. مصاحبه شماره ۵؛ مصاحبه شماره ۱۶

۳. مصاحبه شماره ۵

۴. معادل «علم»

۵. مصاحبه شماره ۵

۶. مصاحبه شماره ۱۶





البته بعدها به علت حزبی شدن فضا توسط طرفداران حسین ولی اوغلی و اذیت و آزار سایر طلاب توسط این افراد، مدرسه تعطیل می‌گردد. ملا انور از جمله اساتید حاضر در این مدرسه بود که بعد از بازگشت کارت مدرسه حجتیه را با خود به ترکیه برد و دولت با پیدا کردن این کارت و بازجویی از همسر او، ایران را به تأسیس گروه «هداپار» و دشمنی با ترکیه متهم کرد.<sup>۱</sup>

رهبری جماعت حزب‌الله منزل بعد از وفات ملا منصور در سال ۱۹۹۴ میلادی در تهران به دلیل عمل مغز و همین‌طور مفقود شدن «فدان گون» به «ذکی ساواش» رسید و او ۲۰ سال در ایران بود و به ترکیه رفت و آمد می‌کرد.<sup>۲</sup> این دو جریان هیچ‌وقت باهم متحد نشدند. یکی از علت‌های آن ادعای قتل فدان گون توسط یکی از طرفداران حسین ولی اوغلی، به نام عزالدین یلدیریم<sup>۳</sup> بود که به فدان گون ابراز علاقه کرده بود و فدان گون زمانی که به دعوت این شخص مهمان او در استانبول شده بود، از منزل او روبرو شده شد.<sup>۴</sup> ادعای رهبری «هدا پار» توسط هر دو جماعت، یکی از علل دیگر عدم اتحاد این دو گروه بود و زمانی که pkk از گروه عیلم خواست که تابع آن‌ها شود و به خاطر عدم قبول عیلم جی‌ها با آن‌ها وارد جنگ شد، جماعت منزل به درخواست کمک عیلم جواب نداد، این اختلاف بیشتر شد و عیلم جی‌ها، منزل جی‌ها را منافق خطاب کردند. پس از کشته شدن یکی از لیدرهای یزیدی pkk به نام «مخوی» توسط عیلم‌ها، دولت وارد کار شد و قاتل او را کشت و این باعث اختلاف بیشتر عیلم‌ها با دولت شد. جماعت منزل اعتقاد داشت که همه ما کُرد هستیم و این یک بازی از جانب دولت ترکیه برای قتل عام کردها به دست خودشان است و به همین خاطر وارد این ماجرا نشد و حتی به خاطر ۱۰ نفر از آن‌ها که توسط pkk کشته بودند، وارد جنگ نشد و به پیگیری قصاص کفایت کرد. این عمل آن‌ها باعث شد pkk از مخالفت با آن‌ها دست کشیده و آن‌ها را «حزب‌الله» واقعی بنامد. با کشته شدن «حسین ولی اوغلی» در سال ۲۰۰۰ میلادی و بعد از یک‌سری جنگ و خون‌ریزی، بالأخره عیلم‌ها سلاح را زمین گذاشته و درنک «مستضعف» را تشکیل دادند.

منزلی‌ها از سال ۲۰۰۵ میلادی به سه گروه «اوزو دونیش»، «ه د پ/یشیل سول پاری سی»<sup>۵</sup> و «انسان و اوزگولی» تقسیم شدند که «اوزو دونیش» با رویکرد مذهبی، درنک و جماعتی برای خود تشکیل دادند و «ه د پ» و «انسان و اوزگولی» تبدیل به یک گروه سیاسی شدند. هم‌اکنون اکثر شیوخ منزل در منطقه کردستان ترکیه

۱. همان

۲. مصاحبه شماره ۵

۳. مصاحبه شماره ۱۲

۴. مصاحبه شماره ۱۶

۵. مصاحبه شماره ۱۱

خصوصاً شهر آدی یامان مستقر هستند.<sup>۱</sup> قوی‌ترین گروه در میان منزلی‌ها، «ه‌دپ» می‌باشد؛ به گونه‌ای که حتی افراد با گرایش‌های دینی و طریقتی دیگر، مناسبات خود را براساس دستورالعمل و سفارش این گروه تنظیم می‌کنند. آگروهی به نام «چوغونیک» هم بود که به‌نوعی صبر کردند و فقط به کارهای ساده پرداختند تا ببینند چه می‌شود.<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۲ میلادی «مستضعف‌ها» هم به سه گروه «حر دعوا پارتسی»، «حسینی سودا» و «هدا پار» تقسیم شد. «حر دعوا پارتسی» و «حسینی سودا» دارای سویه انقلابی و دینی بودند و «هدا پار» با رویکرد سیاسی، مناسبات خوبی با طیب اردغان دارند و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در کنار رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و رئیس حزب عدالت و توسعه<sup>۴</sup> قرار گرفت (خبرگزاری کردپرس، ۱۴۰۱). رهبر فعلی این حزب «زکریا یاپیچی اوغلو» است که در ده سال اخیر سعی نموده با نام جدید «حزب مطالبه آزاد» وارد مناسبات سیاسی شود و با تصریح بر فرق داشتن حزب خود با «هدا پار مقسمی»، حزب حاضر را یک حزب قانونی و «هدا پار مقسمی» را یک حرکت غیرقانونی معرفی نموده است. او الان نماینده حوزه استانبول در مجلس ترکیه است که به دنبال نظام فئودالی در ترکیه می‌باشد (خبرگزاری کردپرس، ۱۴۰۲). این حزب رویکرد ضد اسرائیلی دارد؛ به‌گونه‌ای که دبیرکل آن، «شاهزاده دمیر» از اقدام حسن ساکلانان توریست ۳۴ ساله ترکیه‌ای در کشتن یک پلیس اسرائیلی در غزه و کشته شدن خودش تقدیر رسانه‌ای واضحی کرد (خبرگزاری کردپرس، ۱۴۰۳ الف). روابط سیاسی این حزب با جمهوری اسلامی خوب است؛ به‌گونه‌ای که زکریا یاپیچی اوغلو رهبر این حزب برای عرض تسلیت به مناسبت درگذشت ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور و حسین امیر عبداللهمیان وزیر امور خارجه و هیأت همراهشان در حادثه سقوط بالگرد، به سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا رفته بود (خبرگزاری کردپرس، ۱۴۰۳ ب).

البته عیلم جی‌ها بعد از جریان سوریه با ایران فاصله بیشتری گرفتند.<sup>۵</sup> در بررسی میدانی این گروه معلوم شد که عیلم جی‌ها در وان زیاد هستند،<sup>۱</sup> ولی مرکز رسمی و معلومی ندارند. جماعت «منزل» در شهر وان ساختمان<sup>۷</sup> و درنک (انجمن‌های ثبت شده در دولت) ثبت شده دارند.<sup>۸</sup> در حکاری هم هر دو گروه منزل<sup>۹</sup> و

۱. مصاحبه شماره ۱۶

۲. مصاحبه شماره ۱۳

۳. مصاحبه شماره ۵

4. AKP

۵. مصاحبه شماره ۶

۶. مصاحبه شماره ۶

۷. مصاحبه شماره ۴

۸. مصاحبه شماره ۱۲

۹. مصاحبه شماره ۵



عیلیم، زیاد هستند.<sup>۱</sup> در ایغدیر هر دو گروه کم هستند<sup>۲</sup> و ساختمان مشخصی ندارند و به همین دلیل معلوم نیست که چه تعداد طلبه و خوابگاه دارند. مجله‌ای با عنوان «دوغرو خبر» و شبکه تلویزیونی آن‌ها (رهبر تی وی) منسوب به آن‌ها است.<sup>۳</sup> در آغری هر دو گروه طرفدارانی دارند.<sup>۴</sup> «ه د پ» قوی‌ترین جریان سیاسی این منطقه است.<sup>۵</sup> قدرت «ه د پ» به قدری است که نمایندگان معرفی شده این گروه در استان حکاری و مناطق کردنشین دیگر، غالباً به‌عنوان نماینده وارد مجلس ترکیه شده‌اند. در پایان باید تأکید کرد که «هداپارت مقسمی» در این مدت دچار تغییرات زیادی شده است که هم‌اکنون عنوان «هداپار» یا همان «حزب الله ترکیه» لفظ مشترکی مابین «هداپار مقسمی» و «هداپار قسمی» است که «هدا پار قسمی» یکی از زیرشاخه‌های گروه مستضعف عیلم جی‌ها محسوب می‌شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

این دو جریان، جزو جریان‌های فعال و تأثیرگذار در مناطق مرزی ترکیه با ایران هستند که برخی از مشابهت‌ها و تمایزات آن‌ها به شرح زیر است:

### الف) وجه اشتراک دو جریان

۱. دغدغه دینی هر دو جریان که باعث می‌شود به آن‌ها عنوان جریان اطلاق شود.
۲. هر دو در مناطق کردنشین فعالیت دارند و کردینگی یک فاکتور مؤثر در مقبولیت آن‌ها به‌شمار می‌رود.
۳. هر دو دارای درنک، خوابگاه و کتابخانه هستند.
۴. در همه استان‌های مرزی، هر دو گروه حضور داشته و فعالیت می‌کنند.
۵. نام یکی از شاخه‌های هداپار، «منزل» است که با «طریقت منزل» تنها تشابه اسمی دارند و مردم برای تفارق مابین این دو از کلمه «طریقت» و «گروه» استفاده می‌کنند.

### ب) وجه افتراق

۱. جریان «هداپار» یک جریان دینی - سیاسی است، برخلاف جریان «منزل جی لر» که یک جریان صرفاً دینی محسوب می‌شود.
۲. برخی گروه‌های «هداپار» به ایران نزدیک هستند، برخلاف طریقت منزل که مناسبت خاصی با ایران ندارند.

۱. مصاحبه شماره ۶

۲. مصاحبه شماره ۷

۳. مصاحبه شماره ۱۲

۴. مصاحبه شماره ۱۳

۵. مصاحبه شماره ۱۳

۳. طریقت منزل دارای ساختار سازمانی و اقتصادی منسجم‌تری است.
۴. گستره طریقت منزل بسیار بیشتر از گروه «هداپار» است.
۵. در طریقت منزل، مرشد یک وجه الهی‌گونه داشته و تمامی فیوضات از جانب او منتقل می‌شود و بدون انتساب به مرشد، امکان هدایت و ورود به طریقت وجود ندارد. اما در جریان «هداپار»، رهبر فقط یک جنبه نمادین و مدیریتی دارد.
۶. یکی از زیرشاخه‌های گروه منزل، (ه د پ) است که نقش تعیین‌کننده‌ای در حرکت‌های اجتماعی-قومی کردهای مناطق هم‌مرز ایران دارد، به‌گونه‌ای که طرفداران «طریقت منزل» نیز مناسبات سیاسی - اجتماعی خود را براساس دستورالعمل «ه د پ» تنظیم می‌کنند.



## منابع

- ابراهیمی پور، قاسم (۱۳۹۷). جریان‌شناسی اندیشه معاصر ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- اطهری، سید اسدالله؛ پیروزفر، مهدی (۱۳۹۴). وضعیت مطالعات ترکیه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران- مطالعه موردی: دانشگاه‌های امام صادق (ع). دانش سیاسی، شماره ۲۲، ص ۵-۵۲.
- بازدید زکریا یاپیچی اوغلو رهبر هدایار از سفارت ایران در آنکارا (۱۴۰۳ ب). خبرگزاری کردپرس. قابل دسترس در: <https://www.kurdpress.com/news/2770899>
- تقدیر هدایار از اقدام حسن ساکلانان در حمله به افسر اسرائیلی (۱۴۰۳ الف). خبرگزاری کردپرس. قابل دسترس در: <https://www.kurdpress.com/news/2770060>
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر. قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (بی‌تا). درسنامه جریان‌شناسی فکری فرهنگی سیاسی. حوزه مجازی علوم اسلامی دانشگاهی.
- خلج منفرد، ابوالحسن؛ دلبری پور، اصغر (۱۳۸۹). جریان‌شناسی تحولات، روندها و موقعیت جریان فکری - فرهنگی ترکیه. ریزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه.
- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش، ج ۱.
- زکریا یاپیچی اوغلو: می‌توانیم درباره دولت خودمختار به بحث بنشینیم (۱۴۰۲). خبرگزاری کردپرس. قابل دسترس در: <https://www.kurdpress.com/news/2765043>
- شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۵). مصاحبه جریان‌شناسی اجتماعی با رویکردی جامعه‌شناختی. پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر شرف‌الدین.
- طالقانی، سید علی (۱۳۸۲). ترمینولوژی جریان‌شناسی فرهنگی. حوزه، شماره ۱۱۹، ص ۶۲-۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- کجاداغ، ابوالفضل (۱۴۰۰). طریقت‌ها و جماعت‌های مهم در ترکیه. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۴۰۰). مذهب‌ها و طریقت‌ها در ترکیه. ترجمه داوود وفاپی. تهران: انتشارات مولی.
- مهدی پور، فرشاد (۱۳۹۳). گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری - فرهنگی در ایران معاصر. دین و سیاست فرهنگی، شماره ۲.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲). طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲(۸)، ص ۸۵-۱۱۶.
- نوری، محمد (۱۳۹۰). خزانه اسناد موقوفات دوره عثمانی. وقف میراث جاودان، شماره ۷۴، ص ۱۳۴-۱۴۶.
- هدا پار از اردوغان حمایت می‌کند (۱۴۰۱). خبرگزاری کردپرس. قابل دسترس در: <https://www.kurdpress.com/news/43857>
- Ayverdi, S. (1999). *Türk Tarihinde Osmanlı Asır/arı*, baskı. İstanbul.
- Ceyhan, S. (2015). *Türkiye’de Tarikatlar Tarih ve Kültür “Tarikat ve Tekke Kavramlarına Dair”*. İSAM Yayıncılık/İstanbul.

- Halaçoğlu, Y. (1991). *XIV-XVII. Yüzyıllarda Osmanlılarda Devlet Teşkilatı ve Sosyal Yapı*. Türk Tarih Kurumu, Ankara.
- Kara, M. (2002). *Günüümüz Tasavvuf Hareketleri*. Dergah Yayınları / İstanbul.
- Ocak, A.Y. (2011). *Ortaçağlar Anadolu'sunda İslam'ın Ayak izleri: Selçuklu Dönemi*. Kitap Yayınevi, İstanbul.
- Peçe, H. (2016). *Çeşitliliğin Artması: Dinî Grupları Sınıflandırma Sorunu Bağlamında Tarikat-Cemaat Ayrımı*. İlem ilmi etüdler derneği, İstanbul.